



رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی ایران

امیرحسین ابراهیم یزدی^۱

محمد علی سمیعی^۲

سید زکریا محمودی رجا^۳

چکیده

همزمانی ورود شبکه‌های اجتماعی در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با رخداد هایی مانند برخی بی‌نظمی‌ها و اعتراضات این نکته را به اذهان متبادر می‌کند که شبکه‌های اجتماعی در ایران نیز در حال به چالش کشیدن نظم و ثبات است. در این تحقیق تلاش شده است به این سوال پاسخ داده شود که «چه رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟». به همین منظور چارچوب مفهومی از نوع ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی ترسیم شد و سپس در نظر نخبگان مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق جمع‌آوری داده‌ها به صورت اسنادی است که از طریق مصاحبه با نخبگان به صورت نیمه ساختمند مورد تحلیل قرار می‌گیرد و نتایج آن به صورت توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است. فرضیه این تحقیق آن بود شبکه‌های اجتماعی عامل بی‌نظمی‌ها بوده است. این تحقیق روشن می‌سازد که شبکه‌های اجتماعی عاملیت مستقل در ایجاد نظم یا بی‌نظمی نداشته، بلکه ویژگی‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی سبب تشدید، گسترش و تداوم زمانی انواع مختلف محتوای نظام بخش یا مبتنی بر بی‌نظمی می‌شود. بنابراین شبکه‌های اجتماعی در قالب ابزار می‌تواند به صورت مثبت و منفی نظم ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار دهد.

کلیدواژه: نظم ملی - نظم اجتماعی - امنیت ملی - شبکه‌های اجتماعی - جمهوری اسلامی

ایران

۱- دانشگاه امام صادق(ع) e.yazdi91@gmail.com

۲- دانشگاه امام صادق m.a.samiee75@gmail.com

۳- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران s.z.mahmodi@gmail.com

تکثر قومیتی، مذهبی، دینی، رویکردهای سیاسی و بینشی در ایران همواره این مسئله را در اذهان ایجاد کرده است که این جامعه و حکومت با این سطح از تکثر در زمینه‌های مختلف چگونه توانسته‌اند نظم خود را حفظ کند. برای پاسخ در این زمینه صاحب‌نظران مولفه‌های گوناگونی مانند هنجارها، ارزشها، قوه قهریه و... را مورد بررسی قرار داده‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که نمونه‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رهبران و مسئولان کشور به خصوص بعد از انقلاب اسلامی تلاش داشته‌اند با ایجاد هنجار مشترکی بر پایه مبانی دینی و اسلامی و تبلیغ و جامعه‌پذیری آن، نظم جامعه را برای دوری از آشوب و هرج و مرج حفظ و تقویت نمایند. نگارنده معتقد است با فرض پذیرش این نظر با توجه به آنکه این سیاست همچنان در حال اجراست، پس دلیل برخی بی‌نظم‌هایی که در دهه ۹۰ شمسی، انقلاب اسلامی با آن مواجه بوده، چیست؟ فرضیه نگارنده آن است که بی‌نظمی‌ها با ورود و گسترش شبکه‌های اجتماعی در این دهه مرتبط است و شبکه‌های اجتماعی در ایران سبب بی‌نظمی شده‌اند. نگارندگان افزایش برخی بی‌نظمی‌ها مانند آشوب‌ها و اغتشاشات در دهه ۹۰ شمسی را که همزمان با گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در ایران دلیلی بر این مطلب می‌دانند. اهمیت و ضرورت:

نظم هرکشوری عنصری نیست که به سادگی کسب شود و نبود آن را می‌توان به مثابه نابودی یک کشور دانست. به همین دلیل ضروری است که عوامل، تاثیرگذاران و روندهای موثر در این حوزه مورد مطالعه و دقت قرار گیرد. نظم ملی جز شروط اصلی حفظ و تداوم حکومت هاست. فهم رابطه شبکه‌های اجتماعی با نظم ملی در جمهوری اسلامی و نحوه تعامل آنها با یکدیگر سبب خواهد شد که عوامل و مولفه‌های تاثیرگذار بر نظم و ثبات در جمهوری اسلامی به درستی شناخته شود و به کمک آن این نظام اسلامی یکی از شروط حفظ و تداوم خود را تضمین کند.

اهداف

کمک به تقویت نظم ملی در آینده جمهوری اسلامی

سوال

شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی جمهوری اسلامی ایران چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟

فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق آن است که شبکه‌های اجتماعی در ایران سبب بی‌نظمی شده‌اند. منظور آن است شبکه‌های اجتماعی در ایجاد بی‌نظمی عامل مستقل هستند. نگارندگان افزایش آشوب‌ها

رجا

و اغتشاشات در دهه ۹۰ شمسی را که همزمان با گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در ایران دلیلی بر این مطلب می‌دانند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات در زمینه رابطه شبکه‌های اجتماعی و مقوله نظم گسترده نیست. اکثر تحقیقات به صورت جداگانه بر موضوع شبکه‌های اجتماعی یا مقوله نظم پرداخته‌اند که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. آثار موجود در این حوزه را با عنایت به موضوع محوری شان در مقام تحلیل می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) دسته اول آثاری است که به چیستی، تبیین و ابعاد مختلف مقوله نظم و ابعاد مختلف آن پرداخته‌است. چلبی (۱۳۷۵) در کتاب خود تلاش دارد تعریف نظم، شاخص‌ها و اختلال‌های آن را نسبت به دو مقوله نظم ایستا و نظم پویا تشریح کند. فوکویاما (۱۳۹۶) نیز نمونه دیگری است که با رویکرد نهادگرایی نظم را تبیین کرده و زوال نهادها را عامل زوال نظم تمدن جدید می‌داند. غمامی و صلاحی (۱۳۹۱) به این نکته پرداخته‌اند که نظم حاصل از قدرت نرم جمهوری اسلامی می‌تواند الگویی برای کشورهای اسلامی در راستای آرمان امت واحده باشد. جهانبین و گرجی (۱۳۹۸) بر این نکته اشاره می‌کنند که تعریف هنجار در هر یک از نظم‌های مختلف اجتماعی یا حقوقی متفاوت است و سعی دارد آن دو را نسبت به یکدیگر انطباق دهد. مومنی و زمانی (۱۳۹۲) نیز در پی آن بودند که نشان دهند نظم اجتماعی ایران بین دو انقلاب نظم دسترسی محدود بوده و نهادها در این نظم به گونه‌ای طراحی و ساماندهی شده‌اند که سطح دسترسی به سازمان‌های اقتصادی و سیاسی کنترل و محدود شود. گودرزی، کاظمی‌پور و انصاری (۱۳۹۷) تلاش کرده‌اند با استفاده از سه مولفه اعتماد به دیگران، التزام به قانون و التزام به رعایت حقوق شهروندی میزان تعهد شهروندان به نظم اجتماعی را بسنجند.

ب) دسته دوم آثاری است که در مورد فضای مجازی و نسبت‌های آن با مقولات اجتماعی نگاشته شده‌است. در این زمینه مانوئل کاستلز (۱۳۹۳) در کتاب خود به این پرسش‌ها پاسخ میدهد که «مشخصه‌های شبکه‌ای شدن چیست؟ آیا شبکه‌ای شدن و استفاده از اینترنت تنها شکل و ابزارهای ارتباطی جنبش‌های اجتماعی را جدید و متفاوت کرده یا در رویکردها و ماهیت جنبش نیز تأثیر گذاشته‌است و با برشمردن ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای، مبانی نظری خود را در تحلیل این جنبش‌ها بر نظریه قدرت ارتباطات، دیگر اثر خود، مبتنی می‌کند. اثر دیگر مصاحبه‌ای با ژان بودریار (۱۳۸۳) در مورد ارتباط گسترش تکنولوژی‌های

جدید با شکل‌گیری فضاهایی مجازی است که در این فضاها هویت و کارکردی متفاوت‌تر از فضاهای گذشته ایجاد شده که ارزش‌ها، مفاهیم و باورهای گذشته را مورد بازنویسی خود قرار می‌دهد. عباسی و شریعت (۱۳۹۷) با هدف بررسی فرصت‌ها و تهدیدات شبکه‌های اجتماعی مجازی از منظر امنیت ملی، بُعد سیاسی شبکه‌های اجتماعی مجازی که مورد توجه حکومت‌ها و بازیگران غیردولتی است مورد واکاوی قرار داده‌است. بخشی و دیگران (۱۳۹۲) به بررسی کارکردهای تعاملی شبکه اجتماعی و ویژگی‌های آن می‌پردازد و آن را در برنامه کفه مام آزمایش می‌نمایند. در این زمینه مقالات و کتب زیاد دیگری هم وجود دارد که به این مختصر بسنده شد.

ج) دسته سوم آثاری است که به رابطه بین این دو مقوله ورود پیدا کردند. این دسته همان قسمتی است که تحقیقات محدودی در آن وجود دارد. عباسی و بهرامی (۱۳۹۴) به این مطلب اشاره کرده‌اند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث نظم اجتماعی شده‌است. این مقاله به صورت نظرسنجی انجام گرفته بود. دانش، زواره و عظیمی (۱۳۹۸) با استفاده از روش پرسشنامه به این مطلب پرداخته‌اند که شایعه‌ها در فضای مجازی بر امنیت تاثیر دارد یا خیر. زمانی (۱۳۹۲) نیز با روش پیمایشی به این مطلب پرداخته است که یک رسانه‌ای مانند ماهواره بر مولفه‌هایی مانند نظم و هویت تاثیر داشته است یا خیر.

تحقیق حاضر سه نوآوری دارد: ۱- اکثر تحقیقات در این زمینه براساس روش پرسشنامه یا توصیفی نگاشته شده اما روش این تحقیق براساس مصاحبه با صاحب‌نظران است. ۲- این تحقیق دارای چارچوب مفهومی و الگوی تحلیل است. اکثر تحقیقات انجام شده بدون چارچوب نظری یا مفهومی خاصی است. ۳- رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی مورد مطالعه قرار نگرفته و اکثر تحقیقات مجزا به مقوله امنیت ملی یا نظم اجتماعی پرداخته شده‌است.

مبانی مفهومی و نظری

نظم/۱ نظم ملی:

تعریف لغوی

معین در تعریف لغوی نظم آن را ترتیب دادن و آراستن بیان می‌کند. (معین، ۱۳۸۱: ۱۹۵۰). فرهنگ عمید و دهخدا نیز نظم را ترتیب، سامان و به رشته کشیدن مروارید تعریف کرده‌اند. (عمید، ۱۳۸۹، دهخدا، ۱۳۷۷) دانشنامه عمومی نظم را منطق تعریف کرده و آن را

رجا

وضعیتی تعریف می‌کند که چگونگی رخ دادن یا حاصل شدن یک رویداد یا نتیجه را در هماهنگی عناصر مرتبط شرح می‌دهد. (حلبی، ۱۳۶۶).

تعریف اصطلاحی

چلبی در کتاب خود معنی نظم را آرایش، ترتیب و توالی تعریف کرده است. (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۶). تنهایی، نظم را به معنای برقرار کردن مقررات و هنجارها و اجرای هنجارها و وجود ضمانت اجرایی برای اجرای هنجارها می‌داند. اگر جامعه منظم نباشد نشانگر عدم رعایت هنجارها در آن جامعه است (تنهایی، ۱۳۷۱: ۲۵). سبحانی نیز نظم را نوعی پیوند و همکاری بین اجزای یک مجموعه در راستای تحقق هدفی معین، به گونه‌ای که هریک از اجزاء، مکمل دیگری بوده و فقدان هر جزء موجب فقدان اثر مطلوب و هدف مورد نظر مجموعه می‌شود. (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۵: ۷۳).

همان طور که در این چند تعریف بیان شد، نظم نوعی ارتباط میان عناصر مختلف و نامشخص است. آنچه که میان این تعاریف مشترک است، وجود رابطه‌ای منطقی است. در اصل میتوان نظم را به صورت مفهومی ارتباط و چینش عناصر مختلف که دارای منطقی معین هستند، دانست. بنابراین برای فهم نظم، فهم منطقی آن مهم است. این پذیرش یا عدم پذیرش منطقی است که نظم و بی‌نظمی را مشخص می‌کند. اگر منطقی نظم در جامعه‌ای چه میان حاکمیت و مردم و چه در میان خود مردم به اشتراک نرسد، نظم ایجاد نمی‌شود.

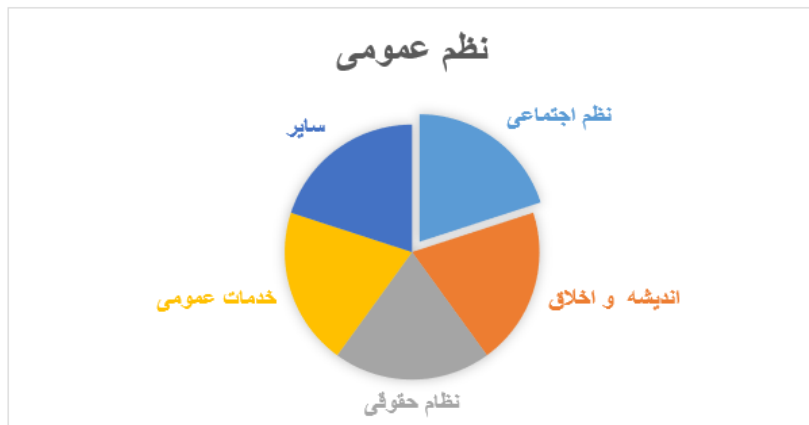
نظم ملی

برای تعریف مفهوم نظم ملی از مفهوم نظم عمومی و امنیت ملی بهره گرفته شد. نظم در اصطلاح دانش‌های اجتماعی از جمله حقوق، به مفهوم تکرار هماهنگ و هدفمند اعمال انسانی است. در عرصه حقوق «نظم عمومی»^۱ اصطلاحی بسیار متداول است. نظم عمومی یکی از اصول مهم حقوق است که با توجه به ساختار نظام‌های حقوقی و تأثیرپذیری آن‌ها از اندیشه‌های دینی، مذهبی و قومی تعاریف و مصادیق گوناگونی دارد. (قاسم پور، آقا پور، ۱۳۹۷: ۵). یکی از نویسندگان با استفاده از تعریف فرهنگ حقوقی کاپیتان در مورد نظم عمومی داخلی می‌نویسد: «نظم عمومی مجموع تاسیسات و قواعدی که در کشور به منظور حفظ حسن جریان خدمات عمومی، امنیت و فضیلت اخلاقی در روابط مردم برقرار شده و افراد اصولاً نمی‌توانند

^۱ public order.

به وسیله قرارداد آنها را نقض نمایند.» (نصیری، ۱۳۷۲، ۱۸۸). فرض بر این است که قواعد چنین نظامی نفع همگان و عامه مردم را مدنظر دارد. «نظم عمومی» یعنی راه رسیدن به عدالت از طریق برقراری نظم در روابط اجتماعی. در حقوق نظم عمومی را نظامی که لازمه حسن جریان امور اداری، سیاسی، اقتصادی یا حفظ خانواده است می‌دانند. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۵۸۸). نظم عمومی مدلول مقرراتی است که قوام و بقای ذات و حیثیت و منافع یک ملت به حمایت آن مقررات بستگی دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۷۱۷). مفهوم نظم عمومی برای حمایت و حراست از تأسیسات حقوقی که منافع و مصالح جامعه وابسته به موجودیت آنهاست شکل گرفته است. البته نظم عمومی را می‌توان مفهومی کلی و قابل انطباق بر امنیت اجتماعی و حیانت از حیات و آزادی فردی، جان، ناموس و مال افراد جامعه دانست. (موسوی مجاب، ۱۳۹۸، ۱۰).

نظم عمومی دائر مدار مصالح و منافع عمومی است و این محور نیز برحسب زمانها و مکانهای مختلف، ساختار حاکم سیاسی، ملاحظات اجتماعی و تحول بینشهای فکری، تغییر می‌یابد. همچنین قواعد ناظر بر حمایت و حراست از نظام اجتماعی و سیاسی دولت نیز دایم در حال تغییر است. از سویی یکی از منابع مهم نظم عمومی، اخلاق حسنه و احساسات عمومی است. توصیف نظم عمومی با یکی از عناصر سازنده عینی یا ذهنی آن در مجموعه‌های متنوع و با مؤلفه‌هایی همچون دین، عرف و اخلاق حسنه، به معنای محدود ساختن آن به این عناصر نیست؛ بلکه، مراد آن است که بر حسب مقتضیات زمانی و جغرافیایی، گاه عنصری از عناصر سازنده نظم عمومی میتواند وجههٔ پر رنگتری نسبت به دیگر عناصر داشته باشد. (موسوی مجاب، ۱۳۹۸، ۱۴). بنابراین می‌توان نظم عمومی را شامل مواردی مانند نظم اجتماعی، اخلاق، خدمات عمومی و... دانست.

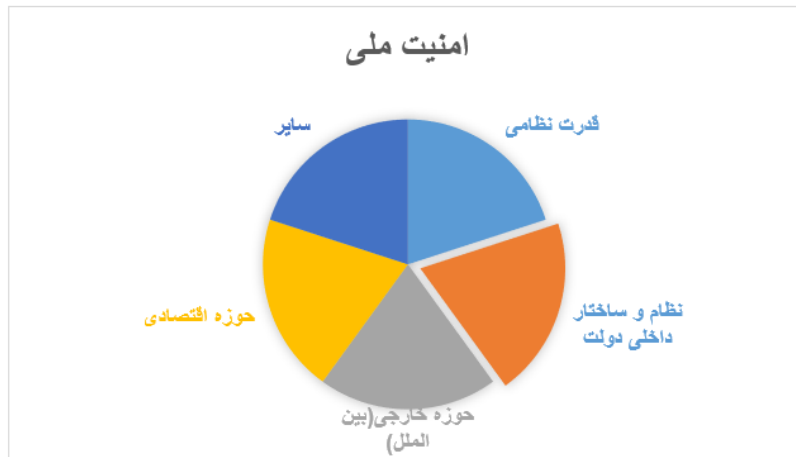


شکل ۱- بخش‌های مختلف نظم عمومی

امنیت ملی نیز الزاماتی است که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. البته مفهوم امنیت ملی بیشتر در روابط خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد. آرنولد والفرد^۱ امنیت ملی را به معنای فقدان ترس از به خطر افتادن ارزشهای حیاتی می‌داند. به نظر او امنیت از لحاظ عینی نشان‌دهنده عدم وجود تهدید نسبت به ارزش‌های تحصیل شده است و از لحاظ ذهنی بر عدم ترس نسبت به اینکه این ارزش‌ها مورد هجوم قرار گیرند، دلالت می‌کند. (حبیب زاده، ۱۳۷۷، ۴۰). این تعریف از امنیت ملی علاوه بر حفظ تمامیت ارضی، نظام اجتماعی و استقلال کشور، امنیت اجتماعی و رعایت حقوق و آزادیهای اساسی را هم شامل می‌شود؛ لذا امنیت ملی علاوه بر قدرت نظامی و توانایی‌های راهبردی در روابط بین‌المللی، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی نیز می‌باشد که مسائل مهمی مانند ثبات سیاسی، رونق اقتصادی، حقوق و آزادی‌های فردی و یکپارچگی ملی از موضوعات مهم آن است. امنیت ملی در هر واحد سیاسی مرهون شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داخلی آن است، امنیت ملی، نتیجه وجود نظم عمومی است. امنیت و نظم، لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه بدون نظم فاقد امنیت است و فقدان امنیت حاکی از عدم وجود نظام سامان یافته و مقتدر و مسلط بر اوضاع است. رابرت ماندل می‌گوید: امنیت ملی اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از

^۱ . Arnold Walferz

تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی



شکل ۲- بخش های مختلف امنیت ملی

شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۸۷: ۲۷).

بنابراین با بهره‌گیری از دو تعریف نظم عمومی و امنیت ملی می‌توان نظم ملی را به صورت مختار این چنین تعریف کرد: «نظم ملی یعنی نظم در روابط اجتماعی با هدف بقای ساخت جامعه و دولت در ساحت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی». نظم ملی نظامی است که علاوه بر نظم اجتماعی، دولت و نظم سیاسی را نیز در بر می‌گیرد. تفاوت نظم ملی با



شکل ۳- بخش های نظم ملی

رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی ایران/یزدی - سمیعی - محمودی

رجا

امنیت ملی در آن است که نظم ملی مسئله‌ای جزئی تر و مرتبط با حوزه داخل و ساخت دولت است. تفاوت نظم ملی با نظم عمومی آن است که دولت ایجادکننده نظم عمومی است و نقش فاعلیت در آن دارد اما در نظم ملی خود ساخت دولت نیز مورد توجه است. شبکه‌های اجتماعی^۱:

تعریف:

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی هستند که امکانی فراهم می‌آورد تا کاربران بتوانند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (رستمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۵)

فلسفه وجودی شبکه‌های اجتماعی واقعی، تشکیل و پیوند گروه‌های اجتماعی بر محور مشترکات اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز با انگیزه سازمان‌دهی گروه‌های اجتماعی مجازی با تکیه بر اشتراکات شکل می‌گیرند. پیداست که اعضای این اجتماع‌های مجازی، در پیوندهایی که با یکدیگر دارند، در مجموع به دنبال رسیدن به یک هدف مشترک در دنیای واقعی هستند که غالباً سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی است.

نظریه شبکه‌های اجتماعی:

کاستلز درباره حضور پررنگ رسانه‌ها در محیط ذهنی افراد نیز می‌گوید: «رسانه‌ها به علت اینکه تار و پود نمادین زندگی ما هستند، همچون تجارب واقعی که بر رؤیاهای ما تأثیر دارند بر آگاهی‌ها و رفتار ما تأثیر می‌گذارند و موادی خام را فراهم می‌سازند که ذهن ما با استفاده از آن کار می‌کند. رسانه در دنیای امروز تجربه انسانی را از واقعیت دگرگون و گرچه او را با واقعیت آشنا می‌سازد، حس انسان را از برخورد بی‌واسطه با واقعیت بازداشته و در واقع او را به برداشتی ثانویه از واقعیت رسانده است» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳۵). او معتقد است شبکه‌های

^۱ social network.

اجتماعی شکل اجتماعی نوینی از ارتباطات و رسانه را به وجود آورده که در عین حال که توده‌ای است، به صورت انفرادی تولید و دریافت می‌شود و تأثیر می‌گذارد و به ابزاری در خدمت جنبش‌های اجتماعی تبدیل می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰).

سردارنیا معتقد است رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی با جای دادن گستره‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی-اجتماعی در فضای مجازی، از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌اند و از سوی دیگر منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها در جهان به‌شمار می‌روند. (سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۲). از این رو سردارنیا اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را مهم‌ترین تجلی و نشانه قدرت نمادین، هویت‌سازی و تبلیغات در عصر جدید دانسته و تا حد چشمگیری سیاست و تحولات سیاسی را به این رسانه‌های فراگیر وابسته می‌داند. (سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۲). بنابراین می‌توان گفت ویژگی‌های کارکردی، تعاملی و ساختی شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود کاربران نقشی پویا و فعال در فرآیند ارتباط داشته باشند. امروزه، شبکه‌های اجتماعی قوی‌ترین ابزارها برای طرح و رواج اندیشه‌ها و کارآمدترین وسایل برای نفوذ فرهنگ‌ها و نگرش‌ها به قلب جوامع‌اند.

در زمینه کارکردهای شبکه‌های اجتماعی، تانبرگ، آن را در چهار دسته بررسی می‌کند: کارکرد اظهاری: از آن جا که افراد مایل‌اند برای خود و گروه خود هویت‌یابی نمایند، در این شبکه‌ها به طور مؤثری اظهار وجود می‌نمایند.

کارکرد اجتماعی: با هم بودن و برقراری ارتباط، نوعی حس اجتماع را میان افراد می‌آفریند. کارکرد آگهی‌بخشی: از طریق ارتباط، افراد می‌توانند در اطلاعات یکدیگر سهیم شوند. کارکرد کنترل: ارتباطات در شبکه‌های مجازی اجتماعی، سبب شکل‌گیری کنش‌های مشترک و تغییر محیط می‌گردد

دکتر خادمی نیز کارکردهای شبکه‌های اجتماعی را چنین تبیین می‌کند: مبادله اطلاعات و تجارب؛ وجود پیوندهای متعدد امکان تبادل اطلاعات را زیاد می‌کند. تبلیغات و حوزه محتوا؛ هرچه پیوند میان اعضا بیشتر باشد، تعاملات و نزدیکی دیدگاه‌ها و نظرات بیشتر می‌شود. در این فضا امکان تبلیغ و یادگیری و انتقال دانش را ایجاد می‌کند. پاسخ به مسائل مشترک؛ حضور افراد درون شبکه آنها را از امکانات جدیدی مانند خرد جمعی برخوردار می‌کند.

رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی ایران / یزدی - سمیعی - محمودی

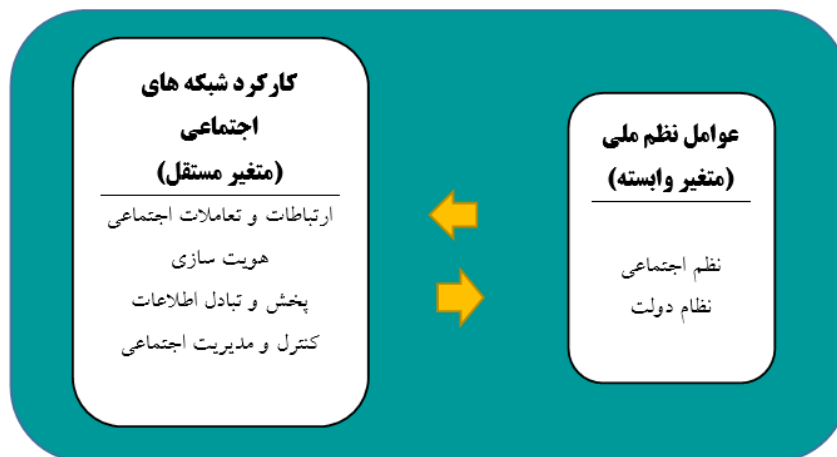
رجا

هویت سازی؛ روابط جمعی سبب ساخت فرهنگ و ارزش‌ها و ایجاد هویت مشترک می‌شود. بر اساس آنچه از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی بیان شد، شاخص‌های زیر را به عنوان کارکردهای شبکه‌های اجتماعی در تحقیق در نظر گرفته شد:

- هویت سازی
- پخش و تبادل اطلاعات
- ارتباطات و تعامل اجتماعی
- کنترل و مدیریت اجتماعی

الگوی تحلیل

بر اساس مطالبی که گفته شد، نظر نگارندگان آن است برای بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی با نظم ملی باید رابطه کارکرد های آن را با دو بخش نظم ملی یعنی نظم اجتماعی و ساختار و نظام دولت را سنجید. منظور آن است که باید دید که هویت سازی، تعاملات اجتماعی، تبادل اطلاعات و کنترل و مدیریت اجتماعی چه رابطه‌ای با نظم اجتماعی و ساختار دولت دارند. شکل شماتیک این نظر در پایین آمده است:



شکل ۴- الگوی تحلیل

بنابراین در ادامه با استفاده از مصاحبه نخبگانی به رابطه شبکه‌های اجتماعی بر نظم ملی، تاثیرات و تاثرات و رابطه‌ی آنها خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

نوع این تحقیق توسعه‌ای است. رویکرد محققان توصیفی-تحلیلی خواهد بود. در این تحقیق جمع‌آوری داده از طریق اسنادی بوده و با روش مصاحبه عمیق به تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت. مصاحبه عمیق مصاحبه‌های کیفی است که دو مدل مصاحبه نیمه‌ساختمند و غیرساختمند (باز) را شامل می‌شود. (سید امامی، ۱۳۹۵: ۲۹۵). در این تحقیق مدل مصاحبه نیمه ساختمند استفاده می‌شود. مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به طوری است که در آن اجازه پرداختن به ایده‌های جدید داده می‌شود تا در طول مصاحبه به عنوان یک نتیجه از آنچه مصاحبه‌شونده می‌گوید به ارمغان آورد. جامعه آماری تحقیق بر اساس نمونه‌گیری گلوله برفی از میان نخبگان این حوزه انجام می‌گیرد. در این تحقیق بعد از تعریف مقوله نظم ملی و شبکه‌های اجتماعی و نگارش چارچوب مفهومی از طریق مصاحبه با صاحب نظران رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی را در چارچوب الگوی تحلیل مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

پرسش‌های پژوهش:

پرسش‌های پژوهشی ناظر بر الگوی تحلیل نگارش یافته است:

- ۱- کارکرد هویت‌سازی شبکه‌های اجتماعی چه رابطه‌ای با نظم اجتماعی و نظام دولت دارد؟
 - ۲- کارکرد تعاملات اجتماعی شبکه‌های اجتماعی چه رابطه‌ای با نظم اجتماعی و نظام دولت دارد؟
 - ۳- کارکرد تبادل اطلاعات شبکه‌های اجتماعی چه رابطه‌ای با نظم اجتماعی و نظام دولت دارد؟
 - ۴- کارکرد کنترل و مدیریت اجتماعی شبکه‌های اجتماعی چه رابطه‌ای با نظم اجتماعی و نظام دولت دارد؟
- یافته‌های پژوهش

در این قسمت تلاش شده‌است با استفاده از نظر متخصصان در حوزه رسانه و شبکه‌های اجتماعی یا جامعه‌شناسان به نسبت و رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و نظم بپردازیم. در ابتدا به بیان کلیات پرداخته و سپس به بررسی نوع رابطه و تاثیر شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی می‌پردازیم. در این مصاحبه‌ها از افراد متخصص زیر استفاده شده است:

رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی ایران/یزدی - سمیعی - محمودی

رجا

ردیف	نام متخصص	حوزه تخصص	سمت
۱	دکتر حسام الدین آشنا	رسانه و تبلیغات	هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع)
۲	دکتر مصطفی غفاری	جامعه‌شناسی و فضای مجازی	هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع)
۳	دکتر سید جواد حسینی آملی	جامعه‌شناسی و اعتراضات	هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع)
۴	دکتر امیررضایی پناه	جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی	مدرس دانشگاه و پژوهشگر

هویت

دکتر غفاری در زمینه هویت‌سازی شبکه‌های اجتماعی معتقد است که این کارکرد می‌تواند بر نظم اجتماعی و ساختار دولت تاثیر بگذارد، چرا که ابزار است. مانند چاقو است که هم می‌تواند آدم بکشد هم می‌تواند میوه پوست کند. ذات شبکه‌های اجتماعی شاخص‌هایی را تغییر می‌دهد. در فضای مجازی چیزی به اسم داخل و خارج وجود ندارد. یعنی آن جهان، جهانی یکپارچه است، جهانی بدون مرز است. اساساً ارزش‌های خاص خود را همراه با کاربری شکل‌ها و قالب‌ها پیش می‌برد، برای همین تضاد هنجاری و هویتی ایجاد می‌کند. مثلاً شخص، قدرت مشروع دولت و انحصار کاربرد زور توسط آن را نمی‌فهمد، چراکه آن را مانند یک کاربر هم ردیف خود در شبکه‌های اجتماعی می‌بیند. در شبکه‌های اجتماعی معانی، ارزش‌ها و هنجارها تغییر کرده‌است. مثلاً شما نظام دولت-ملت را یک مفهوم معتبر می‌دانید و بر اساس آن هویت ملی و امنیت ملی تعریف می‌کنید یا اساساً امر ملی تعریف می‌کنید. اما در اینترنت معنای امر ملی ما به ازاء ندارد، همه چیز یک امر جهانی است. فضای مجازی به ما می‌گوید ملیت معنا ندارد، امر ملی معنا ندارد. شبکه‌های مجازی نگاه شما به امر ملی را ندارد و به امر جهانی فکر می‌کند. ریخت جدید (شبکه‌های اجتماعی) با خود هنجارهای جدید می‌آورد و تبع نظم اجتماعی نیز تغییر می‌کند. این ریخت یا این ظرف شرط ندارد و می‌توان هر محتوایی در آن بریزیم.

دکتر آشنا در مورد کارکرد هویت‌سازی شبکه‌های اجتماعی معتقد است اگر رسانه‌ها چنین کارکردی نداشته باشد، تاسیس نمی‌شوند. بخش مهمی از کارکرد رسانه هویت‌سازی است. ایشان به بیان تفاوت میان رسانه‌های اجتماعی با رسانه‌های جمعی پرداخته و معتقد است: «رسانه‌های جمعی رسانه‌های انبوهی بودند که عده‌قلیلی می‌توانستند برای عده‌ی کثیری

تولید پیام بکنند. ولی الان نسبت میان نظام تولیدکنندگان با نظام مصرف کنندگان دارای منطق درست تری شده است. یعنی هر شخصی می تواند تولیدکننده و هم مصرف کننده باشد. در نتیجه نقش کنشگر فعال اجتماعی توزیع شده است. به این معنا که ما کاربر داریم مخاطب نداریم. در این حالت هویتی ساخته می شود که یک هویت اشتراکی و همه گیر است. همه درگیر ساخت و پرداخت آن هستند. آن نیست که یک شخص هویت را بسازد و یک شخص دیگر آن را بپذیرد بلکه با یک تعامل اجتماعی مبتنی شبکه های اجتماعی هویت ساخته می شود. البته این مدل جنبه نظری و آرمانی و بهترین جنبه تحلیل است که این حالت آرمانی شکل نمی گیرد و مداخله ها در حوزه رسانه های اجتماعی نظم را بهم می زند. ایشان در این راستا می گویند: «مداخله ها را دولت ها، شرکت ها و بازیگران غیردولتی سیاسی و بازیگران غیر شرکتی اقتصادی انجام می دهند. مداخله انواع مختلفی دارد:

- ۱- اولین آن مداخله های محتواهای مورد حمایت مالی است. این محتوا در جریان طبیعی گردش اطلاعات مداخله می کند. مثلا پلتفرم ها بر مبنای دریافت پول محتوایی را توزیع می کنند یا آن را برجسته می کنند. تبلیغات سیاسی یا تبلیغات تجاری در کانال های خبری پخش می شود. این ها مداخله هایی است که بر مبنای پول انجام می شود. این مدل مداخله های اضافی است. ۲- دومین مدل مداخله های حذفی است. مثلا اینستاگرام تصمیم می گیرد که تصویر سردار سلیمانی را حذف کند. مداخله های ممیزی و تقویت پیام است.
- ۳- نوع سوم مداخله سانسور کلی پلتفرم هاست که دولت ها انجام می دهند. مثلا ایران برخی از پلتفرم ها را فیلتر می کند. نظام و ساختار دولت بر نحوه عملکرد شبکه های اجتماعی تاثیرگذار است.
- ۴- نوع چهارم اختلافات شرکتی است مثلا توییتر نمی گذارد که پیام اینستاگرام در آن به اشتراک بگذاریم. این اختلافات نمی گذارد که فضا در دسترس عمومی باشد.
- ۵- نوع پنجم بحث داده های کلان (بیگ دیتا) است. این مطلب هم مداخله است چراکه نتیجه بررسی داده های کلان می شود نظر کاوی ۱. نظر کاوی یعنی ورود هوش مصنوعی به عنوان مداخله گر. هوش مصنوعی یعنی براساس آنچه تشخیص داده می شود، به فرد محتوا پیشنهاد می کند. چه در حوزه تبلیغات و چه در حوزه پیشنهاد دنبال کردن.

رجا

هویت سازی یک امر رقابتی در شبکه‌های اجتماعی است. یعنی آن که همه در حوزه تولید پیام برابر نیستند، فرصت‌های برابر ندارند اما ظاهراً باهم برابرند. کسانی که پلتفرم را ادامه می‌کنند یا با پلتفرم دیگران را اداره می‌کنند بیشترین نقش را در هویت‌سازی دارند. هرکس در هر شبکه‌ی ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی در حال زیست است. زیست بوم مجازی شخص توسط خودش تعیین می‌شود. احتمال دارد زیست بوم مجازی شخص با زیست بوم واقعی‌اش تفاوتی نداشته باشد یا بالعکس. شبکه‌های اجتماعی یک میدان و یک بازار است. هم سانسور هست، هم تقویت هست. در این بازار همه در حال فعالیت هستند. این که در این بازار چه کسی تغلب پیدا کرده‌است، معلوم نیست. چراکه هنوز زود است قضاوت کنیم و نباید هم قضاوت کنیم مگر آنکه یک داده کاوی کاملی از این فضا شده باشد، چراکه روز به روز آن فرق می‌کند. ما بیشتر از آن که باید دنبال برنده و بازنده بگردیم باید به دنبال کنش‌های رقابتی باشیم.

دکتر رضایی پناه در مورد کارکرد هویت‌سازی شبکه‌های اجتماعی و رابطه آن با نظم ملی می‌گوید: «اشخاص بسته به موقعیتی که خود را قرار می‌دهند امور را تعریف می‌کنند. یعنی آنکه اگر من جز شیعیان باشم، امام حسین (ع) را دوست دارم و دشمنانش را رد می‌کنم. پس بستگی دارد از چه زاویه‌ای بر رابطه هویت‌سازی شبکه‌های اجتماعی بر عوامل تغییر یا تثبیت نظم ملی نگاه بکنیم. اگر نگاه امنیت محور و با ساخت مستقر همخوان باشد، تاثیر شبکه‌های اجتماعی را مبتنی بر تغییر ساختار دولت یا نظم اجتماعی می‌داند، اگر شخصی باشد که از منظر خارجی به قضیه می‌نگرد، می‌گوید شبکه اجتماعی در راستای تثبیت در حال اقدام است. در جامعه شناسی نمی‌توان این چنین دقیق گفت. عوامل مختلف می‌توانند با هم مرتبط باشند و خط‌کش مشخصی وجود ندارد که بتوان آن را تعیین کند. شبکه‌های اجتماعی یک بستری است که در آن امکان هویت سازی برای هرکس است. اما برای تعیین رابطه‌اش با نظم اجتماعی و ساختار دولت این مهم است که نسبت به ساخت قدرت و ساخت جامعه در کجا قرار گرفته‌ایم. اما اگر بخواهیم به صورت کلی و ساده‌سازی و براساس شهود پژوهشگر و با نگاه سیاسی بگوییم شبکه‌های اجتماعی مجازی در جمهوری اسلامی با استفاده از هویت‌سازی در حال تغییر نظم اجتماعی هستند، اما نتوانسته‌اند ما را به نظم جدید برسانند برای همین در حالت آنومی هستیم. ما این مطلب را حتی بدون داده‌های کمی به شرط تحلیل محتوا می‌توانیم بگوییم.

دکتر حسینی هویت را غیریت‌ساز می‌داند و معتقد است: «که هویت‌ها هم جنبه ایجابی و هم جنبه سلبی ایجاد می‌کنند. این هویت‌ها هستند که می‌گویند که شخص کیست. اتخاذ هویت منجر به آن می‌شود که شخص خودبه‌خود مرزبندی بکند». ایشان نیز همانند دکتر آشنا معتقدند که یکی از کارکردهای شبکه‌اجتماعی هویت‌سازی است؛ یعنی با کنش‌هایی که در فضای مجازی انجام می‌شود هم شخص هویت‌سازی می‌کند، هم کنش‌هایش را تحت هویتش قرار می‌دهد. یعنی آنکه شخص مجموعه‌ای از رفتارهایی را انجام نمی‌دهد، چرا که با هویتش سازگاری ندارد. حتی امکان دارد شخص در فضای مجازی هنجارهایی را استفاده کند که هیچگاه به آن توجه نداشته است و یا از برخی هنجارها استفاده نکند چراکه آن را جزیی از هویت خود نمی‌داند. حالت دوگانه‌ای که فضای مجازی امکانش را ایجاد کرده در حال توسعه و تحمیل خود بر دیگران است، به طوری که جهان زیسته افراد را در حال تغییر قرار می‌دهد. ذات شبکه‌های اجتماعی این امکان را به فرد می‌دهد که هویت را تغییر دهد. چراکه به دلیل ویژگی مجاز، امکان تاسیس یک هویت دیگر به شخص داده می‌شود. در قدیم شخص را نفی بلد می‌کردند و این امکان برای او بود که هویت جدیدی را به دلیل تعویض مکان برای خود بسازد اما شبکه‌های اجتماعی این امکان را دارند بدون عوض شدن مکان یا زمان هویت جدید تاسیس شود.

دکتر حسینی معتقد است که سبک زندگی مدرن همه ابعاد زندگی رو دربرگرفته است و ما را در یک فرایند تغییر و بی‌نظمی قرار داده‌است. شبکه اجتماعی ابزار در این فرایند تغییر است. قبلاً هم ابزارهای دیگر مانند صنعت چاپ، روزنامه، رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و حالا استارلینک است. تا رادیو امکان تغییر در هویت نبود یا کم بود یا در حوزه مکانی و زمانی محدود بود. اما الان این چنین نیست. دکتر حسینی از کاستلز نقل می‌کند که ویژگی شبکه‌های اجتماعی این است که هویت‌ها را فشرده می‌کند. یعنی در کسری از زمان و بدون نیاز به فضا همه چیز را تغییر می‌دهد. بنابراین عامل اصلی سبک زندگی مدرن است که با استفاده از شبکه اجتماعی در حال تغییر نظم ملی کار می‌کند و از این طریق هویت‌سازی جدید می‌کند. ایشان معتقدند که اگر بتوان نظم اجتماعی و ساختار مطلوب دولت را از طریق این کارکرد بازتولید کنند می‌توانند غلبه ایجاد کرد. البته چند مشکل وجود دارد: ۱- به دلیل آن که مدیریت این ابزار فعلاً در اختیار دشمن است این امکان را نمی‌دهد که عوامل تثبیت خودشان را بازتولید کنند و آنها را ازبهره بردن از این امکانات محروم می‌کند. ۲- تمایل این ابزارها نیز به تغییر نزدیک‌تر است. ۳- ممکن است با بازتولید عوامل مثبت در نظم ملی این

رجا

ابزار از کار بیفتد یا آن عوامل را به خوبی بازتولید نکند. توضیح آنکه ما در سنت‌های خود مناسک داریم که زمان و مکان خود را دارد یا زیارت مکانی یا ادعیه‌ای در زمان خاصی است. ما برای آنکه بتوانیم از این ابزار استفاده کنیم باید بتوانیم حتی در حوزه ادبیات سازی و مفهوم سازی آن ورود کنیم

ارتباطات و تعاملات اجتماعی

دکتر غفاری شبکه‌های اجتماعی را دارای ۳ ویژگی دانستند: ۱. تعاملی بودن و احیا/بیدار کردن عاملیت. ۲. مفهوم شبکه. ۳. عدم قطعیت. ایشان معتقدند: «شبکه‌های مجازی یکسری ویژگی و یکسری کارکرد دارد که بر اساس ویژگی اینتراکتیویتی (تعامل) ویژگی بسط عاملیت را ایجاد می‌کند. شبکه‌های مجازی نقش کارگزار را بازی می‌کنند که قرابت معنایی با نظم دارد. رسانه‌های مجازی به خاطر ویژگی و ابزار تعاملی‌اش عاملیت را طوری بالا می‌برد که شخص احساس می‌کند که خودش است که هر کاری می‌خواهد انجام می‌دهد. مهم‌ترین کارکرد شبکه‌های اجتماعی را تعاملی بودن شبکه‌های اجتماعی است.»

دکتر غفاری در ارتباط میان نظم اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کند و می‌گوید: «مفهومی در نظم اجتماعی وجود دارد، ریخت‌شناسی جامعه است. ریخت‌شناسی یک جامعه قدیمی یا سنتی مدرن نشده، هرمی و سلسله‌مراتبی هست، دارای دامنه و قاعده است. در بالای هرم یک رهبر، یک امام، یک فیلسوف شاه وجود دارد و دارای لایه‌های نزدیک به قدرت، لایه‌های پایین و لایه‌های بدون قدرت است. یکی از نکاتی که از نظر جامعه‌شناسی وجود دارد این است که ریخت جامعه دارد به ریخت شبکه‌ای تبدیل می‌شود. البته ریخت شبکه‌ای به مفهوم تخت بودن نیست، بلکه هرم شکسته است و عناصر قدرت پخش شدند و بازیگران جدید اضافه شده است. بین این بازیگران جدید روابط قدرت جدیدی برپا شده است. بنابراین قواعد بازی تفاوت کرده و تعامل و حس عاملیت سبب تغییر در نظم اجتماعی خواهد شد. روابط از حالت عمودی که در شبکه‌های اجتماعی به حالت افقی تغییر کرده است. ویژگی تعاملی در رسانه‌های اجتماعی باعث می‌شود که فرد یا کنشگر احساس عاملیت و آزادی عمل می‌کند یا احساس فعال بودن احساس کارگزاری دارد. این مهم‌ترین ویژگی است که در رابطه با نظم در این ساحت به شخص، این احساس را می‌دهد که آزادی عمل داشته باشد و در تعامل با دیگران چیزی را بسازد.»

ایشان در ادامه در ارتباط میان شبکه های اجتماعی و دولت می گویند: «ما در بحث فضای مجازی یک مفهومی داریم به اسم «آلترناتیو مدیا» یعنی رسانه های جایگزین رسانه های اصلی که عمدتاً رسانه های تولید انبوه یا جمعی هستند و همیشه در اختیار ساختارهای قدرت و ثروت قرار دارد. در ایران می توان گفت این رسانه ها رسمی هستند و در اختیار دولت قرار دارند. در غرب هم رسانه ها آزاد نیستند و در اختیار کمپانی های بزرگ سرمایه داری هستند. رسانه های دولتی در آنجا معنا ندارد بلکه رسانه ها در آنجا در اختیار صنعت های بزرگ و کمپانی های بزرگ قرار دارند یا بخشی از دنیای سرمایه داری هستند. شبکه های اجتماعی جایگزین رسانه های اصلی شده و این جایگزین هر چه جریان اصلی بگوید، در حاشیه یا علیه آن عمل می کند. معمولاً رسانه های اجتماعی ویژگی رادیکالی و انتقادی دارند و رسانه های تندتری هستند. پس طبیعتاً این رادیکالیسم در مقابل آن هنجاری بودن که حکومت دنبال آن است قرار می گیرد. بنابراین این ویژگی نیز ساختار و نظام دولت را تحت تاثیر قرار می دهد. به نظر وی این دو تا ویژگی (تعامل و مفهوم شبکه) است که نظم ملی ما را شکل می دهد یا نظم ملی ما را بازسازی می کند که دوباره بازتولید شود و ما در کشاکش بین آنها قرار داریم. وی معتقد است که ورود به فضای مجازی و فناوری عدم قطعیت که یک مفهوم ریاضی، فلسفی و آینده نگری را بالا برده است و به راحتی نمی توان در مورد تاثیرات آن صحبت کرد.

دکتر آشنا معتقدند ارتباطات جمعی این ۴ اصل را دارد: کارکرد کنترل، گردش اطلاعات، هویت سازی و سرگرمی. بنابراین بخشی از کارکردهای دیگر شبکه های اجتماعی مورد نظر در تحقیق، در ذیل این کارکرد اصلی قرار می گیرند.

ایشان معتقدند به دلیل ارتباط ارتباطات اجتماعی با مشارکت اجتماعی، اگر حاکمیت مشارکت پذیری خودش را بالا ببرد در نظم تاثیر می گذارد، اگر مشارکت پذیری خودش را بالا نبرد، در بی نظمی اثر می گذارد. دلیل آن است که اگر جامعه در ارتباطات اجتماعی خودش سهولت بیشتر و سرعت بیشتر و تاثیرگذاری بیشتری در تعامل با خودش احساس بکند، در تعامل با حکومت هم همین توقع را دارد. فرقی نمی کند جامعه چه باشد، هر کنش گری اجتماعی در فضای مجازی تسهیل شده است چه موافقین چه مخالفین هر دو فعال اند، کمپین هایشان هم قوی تر شده است. حکومت در مورد این مسائل چه موضعی می تواند بگیرد؟ می تواند به این موضوع ورود کند و آن را در اختیار خود بگیرد. به این شکل که دولت کشف مطالبات اجتماعی را به جای خیابان در فضای مجازی انجام می دهد، پس سهولت ارتباطات اجتماعی که باعث تاثیر بیشتر شده است، دولت را به تغییر فرایند ارتباطی اش فرا می خواند. در آن صورت در

رجا

دوران هوشمند شدن شبکه‌های اجتماعی دولت هم باید هوشمند شود. آن چیزی که باید نگرانش شد، بحث هوش دولت است. هوش یعنی توان تلفیق امر نظم و امر تغییر. دولت اگر بتواند یک حکمرانی پیچیده اتخاذ کند، ارتباطات اجتماعی به سمت توازن تغییر و تثبیت در نظم ملی حرکت می‌کند. بنابراین شبکه‌های اجتماعی با تأثیر بر نظم اجتماعی، بر نظام دولت نیز تأثیر می‌گذارند.

دکتر حسینی در زمینه ارتباطات به انواع ارتباطات یعنی ارتباطات اجتماعی، ارتباطات معنایی و ارتباطات مبتنی بر رسانه اشاره می‌کند و معتقد است در ارتباطات اجتماعی و معنایی، تلاش شخص باعث تغییر نمی‌شود اما در ارتباطات برساختی رسانه این امکان وجود دارد. ایشان معتقدند عوامل تثبیت‌کننده نظم اجتماعی و ساخت دولت ایران مبتنی بر ظرفیت ارتباطات شبکه‌های اجتماعی ساخته نشده‌است، برای همین به خوبی نمی‌تواند آن را در خود هضم کند. اینکه گفته می‌شود هنجارها در حال تغییر است، همان هنجار نظم اجتماعی در یک دوری بر ارتباطات اجتماعی اثر می‌گذارد و دوباره آن ارتباطات بر عوامل هنجارها اثر می‌گذارند. ایشان ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی را ابزاری می‌دانند یعنی آن که آنها این ارتباطات را در جهت منفعت یا لذت در نظر می‌گیرند. چراکه خود شبکه‌های اجتماعی ماهیتی ابزاری دارند، ارتباطات را هم ابزاری می‌کند.

دکتر رضایی پناه نیروی اجتماعی در ایران را نیروی گریز از مرکز می‌داند یعنی معتقد است که مخالفت با ساختار برای جامعه پرستیژ است. در این حالت، شبکه‌های اجتماعی یک فضای ارتباطاتی ایجاد کرده‌است که می‌تواند این حس ایرانیان را ارضا کند. فضای مجازی این امکان را فراهم کرده تا خیلی از چیزهایی که در ارتباطات تابو بوده‌است را بشکنند. به نظر ایشان شبکه‌های اجتماعی برای ایرانیان به مثابه یک فضای تنفسی است تا بتواند آن ابعادی که نمی‌تواند در واقعیت نشان بدهد را به نمایش بگذارد و ارتباطات خود را برقرار کنند. در ایران به دلیل استفاده از این کارکرد نظم اجتماعی قابلیت امنیتی شدن پیدا کرده‌است.

پخش و تبادل اطلاعات

دکتر غفاری و آشنا کارکرد پخش اطلاعات را نسبت به ویژگی عاملیت و ارتباطات که بیان کردند، مهم نمی‌دانسته و این عنصر را نه تحولی ماهوی بلکه توسعه‌ای قلمداد می‌کردند و تأثیر پذیری نظم اجتماعی و دولت را در همانند قبل می‌دانستند. دکتر حسینی معتقدند هرچند شبکه‌های اجتماعی سرعت آگاهی بخشی را بالا برده‌است اما این افزایش سرعت معلوم نیست

مطلوب باشد. از طرفی این میزان داده، بهم ریختگی را به همراه دارد. ایشان معتقدند که رسانه‌های مکتوب به دلیل مطالعه همراه با ادراک و تومآئینه خوب بود در حالیکه شبکه‌های اجتماعی از نظر سرعت، حجم داده و عمق باید بررسی شوند. ایشان معتقدند که پخش اطلاعات با سرعت بالا، حجم زیاد داده، عمق کم سبب محاط شدن شبکه‌های اجتماعی بر شخص می‌شوند. دکتر رضایی پناه نیز معتقد است در این زمینه کنشگران قوی وجود دارند. از شبکه‌ها و کارتل‌های خبری می‌توان در این زمینه نام برد. اما این که پخش اطلاعات سبب آگاهی بخشی شده است را غیرواقع می‌دانند.

کنترل و مدیریت اجتماعی

همان طور که بیان شد، منظور از کنترل و مدیریت شبکه‌های اجتماعی، مدیریت محیط واقعی توسط محتوای شبکه‌هاست. دکتر غفاری معتقد است که چون در شبکه اجتماعی ساماندهی افقی است، یعنی مدل شبکه‌ای است و چون عاملیت در صددش بالا می‌رود، امکان دستکاری محتوا نیز بالا می‌رود و به راحتی محتوا را نمی‌توانیم کنترل کرد و امکان کنترل محیط وجود دارد. به همین خاطر است که دولت‌ها دسترسی را کند یا محدود می‌کنند. دکتر آشنا نیز به این مطلب اشاره کردند که فقط برای مدیریت محتوا باید مدیریت پلتفرم‌ها را در اختیار داشت. دکتر حسینی در زمینه کنترل شبکه‌های اجتماعی معتقد است شبکه‌های اجتماعی می‌تواند شدت بخش، تسهیل‌گر، حجم‌دهنده یا محدود کننده باشند. شبکه‌های اجتماعی با این کارکرد الان بیشتر به نفع عوامل تغییر در نظم ملی است. دکتر رضایی پناه با بیان مبحث جنبش‌های جدید اجتماعی از انقلاب مصر به عنوان نمونه‌ای از انقلاب فیسبوکی که به شروع بهار عربی یا بیداری اسلامی ختم شده اشاره کرد. ایشان توضیح دادند که با استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلاش برای مدیریت انقلاب مصر در میدان انجام شده است. ایشان معتقد است این ویژگی شبکه‌های اجتماعی باعث شده که انقلاب‌های جدید به دنبال یک رهبر یا سوپرمن نباشند. در اعتراضات ۱۴۰۱ ایران هم این مطلب دیده می‌شود. افرادی که هیچ بن مایه‌ای نداشتند یعنی با تعریف کلاسیک نمی‌توانند رهبر یک جنبش باشند اما بخشی از جامعه را می‌توانند لیدری کنند، از این ویژگی شبکه‌های اجتماعی استفاده کردند. نکته‌ای دیگری که ایشان اشاره می‌کنند آن است که مردم ایران روحیه تداوم ندارند یعنی یک کاری را انجام نمی‌دهند که تمام شود، بلکه قطعاً میانه‌اش به کارهای دیگر سرگرم می‌شوند. این ویژگی جامعه شناختی سبب شده آن کسانی که می‌خواهند کنترل محیطی را به دست آورند نتوانند. در ضمن در شبکه‌های اجتماعی ایران افراد بزرگی که تغییر را رهبری بکنند وجود ندارد. در کل ویژگی

رجا

جامعه ایران آن است که تا هر جایی کسی بخواهد آن را پیش ببرد خسته می‌شود و بازمی‌گردد. جمع‌بندی آن که جامعه ایرانی آن ویژگی را ندارد که بخواهیم با شبکه‌های اجتماعی واقعیتش را مدیریت کامل کنیم. چیزی که هست کارهایی ایدایی است البته اثرات محیطی داشته‌ایم که تغییر دهنده بنیادین نبوده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد که به جهت پاسخ به رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی، ابتدا تعریفی از نظم ملی و شبکه‌های اجتماعی بیان شود. سپس الگوی تحلیلی مبتنی بر رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی نگاشته شد. در مرحله بعد با استفاده از نظر نخبگان این الگوی تحلیل در جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نظر کارشناسان می‌توان در چند مورد این چنین جمع‌بندی کرد:

ا. از میان کارکردهای شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با نظم ملی، ارتباطات و تعاملات اجتماعی، هویت‌سازی، کنترل و مدیریت اجتماعی و تبادل اطلاعات به ترتیب بر این مقوله موثر هستند.

ب. اکثریت کارشناسان معتقدند که به صورت علمی بجز از نظر کمی و بدون داده کاوی نمی‌توان قضاوت کرد که شبکه‌های اجتماعی دقیقاً به چه میزان در حال تغییر یا تثبیت نظم ملی هستند. اما از نظر شهودی سر و صدای تلاش برای تغییر نظم اجتماعی و ساخت دولت بیشتر است اما اینکه در عمل دارد چگونه عمل می‌کند معلوم نیست. آنچه مشخص است آن است که کشاکش آرا و نیروها وجود دارد و شبکه‌های اجتماعی در کشاکش موثر هستند.

ج. شبکه‌های اجتماعی روند کشاکش را تسریع کرده‌اند یعنی دوگانه تلاش برای تثبیت و تغییر نظم ملی ایران را افزایش داده‌اند.

د. در یک نگاه سیستمی شبکه‌های اجتماعی به خاطر ذات ابزاریت خود می‌توانند در اختیار تغییر یا تثبیت قرار بگیرد و نقش جعبه سیاه سیستم را بازی کنند. خروجی‌ها نیز تثبیت یا تغییر نظم ملی است. آنچه که مهم است عامل و ورودی سیستم است. برخی از کارشناسان سبک زندگی مدرن را عامل و ورودی سیستم، برخی دیگر صاحبان پلتفرم‌ها و برخی دیگر از عدم توانایی شناسایی این ورودی سخن می‌گویند.

- ه. ذات تعاملی بودن شبکه‌های اجتماعی، ساخت اجتماعی جامعه را از حالت عمودی به افقی و شبکه‌ای تغییر داده‌است. بنابراین به تبع نظم اجتماعی نیز دچار تغییر شده است و دولت را تحت تاثیر قرار می‌دهد.
- و. هویت‌سازی یکی از مهمترین کارکردهای شبکه‌های اجتماعی و موثر بر نظم ملی است.
- ز. مدیریت پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی در اختیار دشمنان جمهوری اسلامی است، بدین ترتیب تمایل بیشتری به محتوای تغییر دهنده نظم ملی در جمهوری اسلامی وجود دارد.
- ح. کارشناسان پخش اطلاعات را چندان مهم ندانسته و اینکه در چه راستایی از تغییر یا نظم عمل می‌کند را غیر قابل شناسایی دقیق بیان کردند.
- ط. شبکه‌های اجتماعی با کارکرد کنترل‌گری محیط واقعی توانسته‌اند بر نظم ملی تاثیر بگذارند و آن را تغییر دهند اما به صورت موضعی نه کلان. در این راستا از کارکرد کنترل‌گری برای تثبیت نظم ملی نیز استفاده شده‌است. اما برای مدیریت بهتر لازم است که پلتفرم‌ها در اختیار دولت و در راستای نظم ملی باشد.
- در پایان می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی در راستای تغییر و تثبیت نظم ملی در جمهوری اسلامی بوده‌اند، اما نمی‌توان در مورد تاثیرات مستقل آن بر نظم ملی صحبت کرد. منظور آن است که عاملیت مستقل شبکه‌های اجتماعی در تاثیر بر نظم ملی معلوم نیست. دلایل مختلفی مانند عدم توانایی در داده کاوی و وجود اطلاعات کم در این زمینه در تمام جهان به خصوص ایران وجود دارد. می‌توان گفت بر اساس نظر کارشناسان، الگوی تحلیل تحقیق به درستی طراحی شده و می‌تواند رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی را توضیح دهد اما فرضیه این مقاله اثبات نشد بلکه مشخص شد شبکه‌های اجتماعی به دلیل ویژگی‌های خود در تغییر یا تثبیت نظم ملی تاثیر گذارند.

رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی ایران / یزدی - سمیعی - محمودی

رجا

منابع

- ۱- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۱)، در آمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات مرندیز.
- ۲- چلبی، فائقه، قاسم آبادی، مرتضی، آقاپور، کمال (۱۳۹۶)، تحلیلی بر جایگاه نظم عمومی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۷، شماره ۹۱ - شماره پیاپی ۹۱، صفحه 89-120.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش چاپ ششم.
- ۴- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: انتشارات نشرنی.
- ۵- حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۷۷). رژیم قانونی بودن حقوق کیفری؛ عامل مؤثر در رشد و توسعه. تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۳، ص ص ۳۱-۵۶.
- ۶- رستمی، محمد، جمیلی اسکویی، رزیتا، نشاط، الهه، فرقانی، محمدرضا (۱۳۹۶). بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ و باور های دینی هویت کاربران مطالعه موردی؛ کاربران استان اصفهان. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۷، ص ص ۴۵-۷۲.
- ۷- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۵)، مدخل مسائل جدید در علم کلام، جلد اول، قم، انتشارات امام صادق (ع).
- ۸- سردارنیا، خلیل الله. ۱۳۸۸. «اینترنت، جنبش های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض ها». فصل نامه پژوهش های ارتباطی. ۴ (۱۶). صص ۱۵۱ - ۱۷۶.
- ۹- سید امامی، کاووس (۱۳۹۱)، پژوهش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۰- صادقیان، حسن، اسدی، عباس (۱۳۹۸)، میزان تأثیرگذاری رسانه های اجتماعی و مجازی بر فرآیند دموکراتیزاسیون (مطالعه موردی دولت حزب عدالت و توسعه ترکیه (۲۰۰۲ تاکنون))، فصلنامه علوم خبری، شماره ۳۰، ۱۲۷ تا ۱۳۹.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق ج. ۱. تهران: بنیاد حقوقی کاتوزیان.
- ۱۲- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، چ اول، تهران: طرح نو.
- ۱۳- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۴- معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات آدنا.
- ۱۵- موسوی مجاب، سید درید (۱۳۹۸)، چالش مفهومی نظم عمومی در حقوق کیفری ایران؛ راهبردها و پیامدها، مجله مطالعات فقهی و فلسفی، دوره ۱۰، شماره ۳۹.

The relationship of social networks and national order in the Islamic Republic of Iran

Abstract

The simultaneous introduction of social networks in the governance of the Islamic Republic of Iran with events such as some irregularities and protests to mind that social networks in Iran are challenging order and stability. This research has tried to answer the question, "What is the relationship between social networks and national order in the Islamic Republic of Iran?" For this purpose, a conceptual framework of the relationship of social networks with the national order was drawn and then examined from the point of view of the elites. In this research, the data collection is in the form of documents that have been analyzed in a semi-structured way through interviews with elites, and the results have been written in descriptive-analytical form. The hypothesis of this research was that social networks are the cause of disorder. This research clarifies that social networks do not have an independent factor in creating order or disorder, but the characteristics and functions of social networks cause the intensification, expansion and temporal continuation of systematic or disorder-based content. Therefore,

رابطه شبکه‌های اجتماعی و نظم ملی در جمهوری اسلامی ایران / یزدی - سمیعی - محمودی

رجا

social networks in the form of tools can have a positive and negative effect on the national order of the Islamic Republic of Iran.

key word:

National order - Social order - National security - Social networks - Islamic Republic of Iran